روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

سه‌شنبه ۲۷ آبان ۱۳۹۳ ■ ۲۴ محرم ۱۴۳۶ ■ ۱۸ نوامبر ۲۰۱۴ ■ سال هفتم ■ شماره ۱۴۶۶ ■ ۱۶ صفحه ■ ۵۰۰ تومان
■ اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی
VATAN-E-EMROOZ ■ VoL.7 ■ No.1466 ■ Tue.Nov.18, 2014 ■ ISSN:2008-2886

دیپلماسی دیرهنگام زنگنه برای جلوگیری از سقوط قیمت
نفت اوپک ۷۵ دلار شد
صفحه ۳

سلامت
روز گذشته هوای تهران بازهم ناسالم
۴

ورزش
اولین آزمون کی‌روش بعد از جام جهانی
۱۴

جنایت جدید صهیونیست‌ها در گیری‌های قدس را شعله‌ورتر کرد
حلق آویز کردن یک جوان فلسطینی
صفحه ۱۵

فرمانده کل قوا در مراسم دانش آموختگی دانشگاه‌های افسری ارتش:
دنیا روی نظامیان ایران حساب باز می‌کند
صفحه ۲

عکس: Khamenei.ir

تیترهای روز

جان کری در مسقط به جواد ظریف چه گفت؟
پیشنهاد بی‌شرمانه هسته‌ای

صفحه ۲

لغو تحریم‌ها امکان و چگونگی
تحریم‌ها از دیرباز به عنوان یک گزینه برای تأثیرگذاری بر مذاکرات یا تغییر رفتار یک کشور خارجی یا یک گروه مشخص، بدون نیاز به برخورد نظامی، مورد استفاده سیاستگذاران ایالات متحده بوده است. ایالات متحده طی ۲ قرن گذشته ده‌ها بار از تحریم‌ها سود جسته و به بهبود بخشیدن نحوه به کار بردن آنها ادامه داده است. هدف از برقراری تحریم‌ها ایجاد هزینه برای دولت‌ها...
صفحه ۱۲

آیا اسرائیل به دنبال ویرانی قدس به دست تکفیری‌هاست؟
مسلمان‌کشی اولویت داعش
صفحه ۱۵

یادداشت روز

پلیس غیرقابل کنترل آمریکا
اوباما هم نژادپرست است
■ پروفسور کوین برت* ■

عبارت «تبعیض نژادی» بیشتر انسان را به یاد قرون وسطی و رفتارهای غیرانسانی پیش از قرن ۱۸ میلادی در غرب می‌اندازد اما اکنون نیز در خبرها می‌شنویم یک رنگین‌پوست تنها به جرم رنگین‌پوست بودن توسط نیروهایی که انتظار ایجاد امنیت و آرامش از آنها می‌رود، در به‌اصطلاح آزادترین کشور دنیا، به قتل می‌رسد!

طی ماه‌های اخیر نام ایالت میسوری و اعتراضات خیابانی ساکنان این ایالت به گوش بسیاری از ما رسیده است. در فاصله ۲ ماه، ۲ نوجوان سیاهپوست آمریکایی در حالی که هیچ سلاحی حمل نکرده و اتهام خاصی متوجه آنها نبود، به دست پلیس سفیدپوست آمریکا به قتل رسیدند که خشم عموم مردم را برانگیخته و خیابان‌های این ایالت مدت‌ها صحنه اعتراضات مردمی به خشونت پلیس علیه مردم بود.

به نظر می‌رسید پس از انتخاب «باراک اوباما» به عنوان اولین رئیس‌جمهور رنگین‌پوست آمریکا، عدالت اجتماعی برای همه نژادها و اقلیت‌ها در این کشور به رخ جهانیان کشیده شود اما با توجه به آنچه عملا از رفتار پلیس در این کشور دیده می‌شود، به نظر می‌رسد تبعیض نژادی سیستماتیکی در لایه‌های پنهان نیروهای پلیس این کشور وجود دارد.

تیراندازی‌های ایالت میسوری آمریکا به ۲ نوجوان بی‌سلاح «مایکل براون» و «وندریت مایرس» منجر به اعتراضات گسترده در این ایالت شده که توجهات همگان را به سوءاستفاده پلیس از سلاح در برابر آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار برانگیخته است. اما آنچه مهم است اینکه براون و مایرس تنها قربانیان پلیس آمریکانیستند.

براساس آمار اعلامی از سوی پلیس فدرال آمریکا (اف‌بی‌آی) حداقل ۴۰۴ آمریکایی در طول سال گذشته توسط پلیس این کشور کشته شدند. از آنجا که آمار اعلامی اف‌بی‌آی براساس گزارشات داوطلبانه پلیس‌های محلی آمریکاست و بسیاری از این قتل‌ها گزارش نمی‌شود، رقم واقعی باید بسیار بالاتر از این باشد. از سوی دیگر اف‌بی‌آی قربانیان تیراندازی‌های پلیس را با تفکیک نژاد اعلام نمی‌کند بنابراین می‌توان نتیجه گرفت بیشتر مقتولان «آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار» هستند.

اعتراضات خیابانی مردم آمریکا به قتل «براون» و «مایرس» نشان مشکل بزرگ‌تری است؛ «اداره‌های پلیس در آمریکا غیرقابل کنترل شده‌اند».

کتک زدن مردم بی‌گناه کاملاً معمول شده و قتل افراد همیشه رخ می‌دهد و در همه این موارد آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار قربانیان اصلی هستند. اقلیت سیاهپوست آمریکا از دست این پلیس برای امنیت خود و خانواده‌هایشان احساس امنیت ندارند.

حتی سفیدپوستان آمریکا هم از پلیس آمریکا می‌ترسند. زمانی که من در محدوده جرم‌خیزی در سان‌فرانسیسکو در ایالت کالیفرنیا زندگی می‌کردم، ترسم از پلیس بیشتر از خلافکاران بود. یک بار ۲ افسر پلیس تنها به بهانه اینکه احترام کافی به آنها نگذاشتم به من حمله‌ور شدند. این ۲ افسر پلیس مرتب سر من را به دیوار و کف پیاده‌رو می‌کوبیدند و همین منجر به رگ به رگ شدن دستانم و شکستن کمرم شد. بعد از انتقالم به مرکز پلیس این ۲ افسر نوبتی مرا در مقابل چشمان بقیه افسران و حضار کتک می‌زدند؛ به این ترتیب که یکی مرا نگه داشته و دیگری می‌زد و پس از مدتی جابه‌جا می‌شدند. بعد از آن درباره این تجربه با بسیاری از آمریکایی‌ها در شهرهای دیگر صحبت کردم و به این نتیجه رسیدم که این تجربه برای بسیاری بویژه سیاهپوستان عادی است.

بعد از این ماجرا از این ۲ افسر شکایت کردم اما تمام افسران پلیسی که شاهد ماجرا بودند، با شهادت دروغ موجب تبرئه آن ۲ افسر شدند. حقوقدانان سان‌فرانسیسکو به من گفتند نیروهای پلیس این شهر، سالانه هزاران نفر را آزار داده و هیچ‌وقت مجازات نمی‌شوند. دادخواست‌های مردمی تنها در مواردی که ضرب و شتم پلیس هزینه‌های پزشکی بسیاری بر گردن فرد بگذارد ممکن است به نتیجه برسد. هیچ جای دنیا چنین سیستم پلیسی ندارد و اگر هم جایی چنین پلیسی باشد، تعداد کمی خواهند بود. پلیس آمریکا به‌راحتی تیراندازی می‌کند. فقط در طول سال گذشته در شهر من «ویسکانسین» که شهری آرام با آمار جرم بسیار پایین است و اکثریت جمعیت این شهر سفیدپوست و افراد دانشگاهی و متوسط جامعه آمریکایی هستند، مردم توسط پلیس در چند مورد به قتل رسیده‌اند. بهار گذشته پلیس «ویسکانسین» ۳ نفر را تنها در یک هفته به قتل رساند. یکی از مقتولان زنی بود که تنها به دلیل عدم اطاعت از دستور پلیس با شلیک گلوله کشته شد. در سال ۲۰۱۲ یک مرد بسیار آرام و بی‌آزار به نام «پل هینان» در شهر من با حمله و تیراندازی یک پلیس وحشی به نام «استفان هیمس نس» به قتل رسید.

ادامه در صفحه ۱۶

خبر

عضو شورایعالی فضای مجازی:
به عمد می‌گویند شبکه ملی یعنی اینترانت!
شامگاه شنبه، دومین جلسه متوالی شورایعالی فضای مجازی پس از ماه‌ها وقفه برگزار شد اما نحوه برگزاری این جلسات و خروجی اعلام شده از آن، موجب تعجب و انتقاد آگاهان به فضای مجازی شده است. علیرضا شاه‌میرزایی، از اعضای حقیقی شورایعالی فضای مجازی در گفت‌وگو با خبرآنلاین در پاسخ به این سوال که چرا شورایعالی فضای مجازی در حال حاضر از اثرگذاری که باید داشته باشد، فاصله دارد؟ گفت: در واقع شورایعالی فضای مجازی در حال حاضر تعطیل است و تنها جهت رفع تکلیف، جلساتی برگزار می‌شود. وی ادامه داد: از نظر بنده، شورایعالی فضای مجازی در حال حاضر هیچ تاثیری بر اینترنت و فضای مجازی کشور ندارد و این یعنی تعطیلی عملی این شورا. عضو شورایعالی فضای مجازی در مواجهه با این پرسش که آیا شبکه ملی اطلاعات در سطح اینترنت اندیشیده شده یا اینترانت؟ نیز اینگونه پاسخ داد: هیچ لزومی ندارد که ما شبکه ملی اطلاعات را اینترانت بدانیم؛ اینترانت یکی از روش‌های پیاده‌سازی بود که اشکال هم داشت. این شبکه باید کاملا اینترنت باشد، آن هم اینترنتی تحت حاکمیت کشور. دقیقا مثل صنعت نفت که ملی است و ماهیت خود را حفظ کرده اما تحت حاکمیت ملی قرار دارد. شاه‌میرزایی در توضیح شبکه ملی اطلاعات (اینترنت سالم، سریع، امن و ارزان) و تفاوت آن با اینترانت توضیح داد: در شبکه پیش‌بینی شده باید دیتاسنتر آن در داخل باشد یا اگر خارج است باید تحت حاکمیت کشور ما باشد. مسیر آن، DNS، شرکت سرویس‌دهنده و همه اجزای آن تحت حاکمیت داخلی صورت بگیرد. به این مساله، شبکه ملی اطلاعات می‌گویند که به گستردگی اینترنت است. با این تعریف، اینترانت تنها یک روش است که البته می‌خواهند به زور آن را برنامه شبکه ملی اطلاعات معرفی کنند. در حالی که اینترانت تنها برای کارهای داخل ادارات و سازمان‌ها طراحی شده و نمی‌توان آن را در گستره کشوری تعریف کرد. علیرضا شاه‌میرزایی در پاسخ به این پرسش که چرا جلسات اخیر شورایعالی فضای مجازی (به‌عنوان یک نهاد بالادستی) مصوبه اعلام شده‌ای ندارد، گفت: ما هم دوست داریم این جلسات مصوبه داشته باشد اما این چرایی که شما مطرح کردید، خیلی ریشه‌ای‌تر از این حرف‌هاست. بنده هنوز قائل به فعال شدن این شورا نیستم و احساس می‌کنم یک نوع رفع تکلیف صورت می‌گیرد. در حقیقت، کار شورایی همانگونه که اسمش پیداست، باید با تبادل‌نظر جمعی صورت بگیرد اما بعضا مشاهده می‌شود اصرار دارند تنها آن چیزی خروجی باشد که مدنظر آقایان است. بنابراین با این روش، تنها زمانی مصوبه‌ای اعلام می‌شود که خواست گردانندگان جلسات را تامین کرده باشد.

ادامه در صفحه ۱۶

یدیعوت آحارونوت از تجدید انتخابات در سرزمین‌های اشغالی خبر داد
کابینه نتانیاهو در آستانه فروپاشی
گزارش

پایه‌های کابینه جدید اسرائیل که تنها ۵ ماه از عمرش می‌گذرد طوری به لرزه در آمده که در سرزمین‌های اشغالی دیگر سخن درباره برگزاری انتخابات نیست بلکه برگزاری انتخابات تقریبا قطعی شده است.

روزنامه یدیعوت آحارونوت، رسانه اپوزیسیون دولت نتانیاهو با اعلام این موضوع به افشای شکاف‌های بزرگ پدید آمده در این دولت پس از جنگ ناکام ۵۰ روزه علیه غزه و در شرایطی که اعتبار رژیم صهیونیستی حتی در نزد حامیان غربی‌اش به نازل‌ترین سطح در حیات ننگین ۶۶ ساله این غده سرطانی رسیده است، پرداخت. به گزارش تسنیم، این روزنامه عبری زبان در شماره دیروز ـ دوشنبه ـ خود نوشت تعدادی از رهبران ائتلاف دولتی به خروج از این ائتلاف تهدید کرده‌اند که این امر کابینه نتانیاهو را در آستانه فروپاشی قرار داده است. «یائیر لبید» وزیر دارایی رژیم صهیونیستی به نتانیاهو هشدار داده است اگر اصلاحات در سازمان بهداشت انجام نشود و قانون مالیات بر ارزش افزوده و قانون برابری به تصویب نرسد، از کابینه خارج شده و انتخابات برگزار خواهد شد همچنانکه «زیپی لیونی» وزیر دادگستری رژیم صهیونیستی نیز تهدید به خروج از کابینه کرده است. به نوشته یدیعوت آحارونوت، زیپی در چارچوب اختیارات خود روز گذشته تصمیم گرفت بررسی قانون ملی را متوقف کرده و مانع تصویب آن در داخل کمیته قانونگذاری کنیست شود.

لیونی پیش‌نویس این قانون را خطرناک خواند. از سوی دیگر برخی افراد در داخل احزاب راستگرا این اقدام لیونی را اقدامی خرابکارانه دانستند و حتی نتانیاهو نیز تصمیم گرفت کمیته قانونگذاری را دور زده و پیش‌نویس این قانون را در جلسه آتی کابینه مطرح کند و اعلام کرد تمایل دارد این قانون به تصویب برسد.

در همین رابطه «نفتالی بینت» وزیر اقتصاد و صنعت اسرائیل از این اقدام لیونی به خشم آمده و تاکید کرد اقدامات ۲ فراکسیون «یش عتید» و «هتنوعاه» شکستن قوانین بود و در صورت عدم تصویب قانون ملی حزب وی نیز هرگز به هیچ قانونی که از سوی این دو حزب ارائه شود، رأی نخواهد داد.

به نوشته این روزنامه، وضعیت کنونی یعنی بحران درباره قانون ملی، بودجه دولت، قانون مالیات بر ارزش افزوده و ساخت و سازها در شهرک‌ها، همگی تهدیدی برای فروپاشی دولت است و مشخص نیست این بحران‌ها چگونه به پایان خواهد رسید و آیا این اوضاع منجر به فروپاشی کابینه و برگزاری انتخابات خواهد شد؟

در همین حال روزنامه آمریکایی «ورلد تریبیون» در گزارشی با این محور که «اسرائیل باید مراقب اوبامای زخمی باشد»، نوشت این احتمال وجود دارد که رئیس‌جمهور آمریکا درصدد باشد شهرت خود در خارج از کشور را حتی به ضرر اسرائیل، باز یابد.

■ **بستری شدن رئیس مجلس فلسطینی در اسارت**

رئیس مجلس قانونگذاری فلسطین که در اسارت صهیونیست‌ها بسر می‌برد به دلیل وخامت حالش به بیمارستان منتقل شد.

به گزارش خبرگزاری فلسطینی سما از قول منابع فلسطینی، «عزیز الدویک» که در زندان رژیم صهیونیستی در اسارت بسر می‌برد، به‌دلیل وخامت حالش به بیمارستان اسرائیلی «هداسا» منتقل شد.

دویک چند ماه قبل در جریان بازداشت‌های گسترده اعضای حماس که به‌دنبال قتل ۳ شهرک‌نشین صهیونیست در نزدیکی الخلیل رخ داد، به اسارت صهیونیست‌ها درآمد.

نرخ بیکاری تک رقمی نشده است
گروه اقتصادی: سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس با ابراز تردید نسبت به تک‌رقمی شدن نرخ بیکاری گفت: در سال‌های قبل با نرخ رشد ۶ درصدی تنها ۵۰۰ هزار شغل ایجاد شده و اکنون چگونه ممکن است با رشد منفی ۵/۸ درصدی که به صفر رسیده همین تعداد شغل ایجاد شده باشد. رحیم زارع در گفت‌وگو با تسنیم، گفت: در پایان برنامه چهارم توسعه با رشد ۶/۳۷ درصدی، بیش از ۵۰۰ هزار شغل ایجاد می‌شد. اما در دولت قبل بیشترین نرخ رشد ۶/۳۸درصد بود که ۷۰۰ هزار شغل ایجاد شد. درمجموع با سیاست‌های اشتغالزایی دولت یازدهم موافق هستم. این دولت با توجه به محدودیت‌ها و تحریم‌ها و هدفمندی یارانه‌ها توانست اقدامی مثبت انجام دهد. وی ادامه داد: مطابق آمار بانک مرکزی و مرکز آمار نرخ رشد منفی۵/۸ درصد بود. با رشد۶/۷ درصدی، حدود ۵۰۰ هزار شغل ایجاد کردیم. در ابتدای برنامه پنجم هم که رشد ۶/۳۸ درصدی بود ۷۰۰ هزار شغل ایجاد شد. اکنون چگونه ممکن است با رشد منفی ۵/۸ درصدی که به صفر رسیده است این تعداد شغل ایجاد شده باشد. زارع با تأکید بر اینکه نرخ بیکاری هنوز تک‌رقمی نشده است و این در جامعه ملموس نیست افزود: نرخ بیکاری با فضای کسب و کار رابطه عکس دارد. هر چقدر فضای کسب و کار بهتر باشد؛ نرخ بیکاری پایین‌تر است. هرچقدر رشد اقتصادی مثبت‌تر باشد؛ نرخ بیکاری پایین‌تر است. مجوزهایی که صادر اما هنوز عملیاتی نشده است به نظر در محاسبات اشتغال حساب شده است. زارع با بیان اینکه پرداخت یارانه به همه دهک‌های درآمدی اثربخشی قانون را از بین برده و از محل حذف یارانه اقشار پردرآمد جامعه صنعت و تولید منتفع می‌شود، گفت: باید به رونق تولید کمک کرد و منابعی که از حذف یارانه دهک‌های پردرآمد به دست می‌آید را به سمت تولید سوق داد که در نهایت منجر به کاهش بیکاری و معضلات اجتماعی می‌شود.

حاشیه‌سازی در وزارت علوم، انحراف اذهان از نتیجه مذاکرات
■ حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علیرضا سلیمی* ■

یادداشت میهمان

موضوع گزینه‌های پیشنهادی از سوی دولت برای وزارت علوم، مساله‌ای است که اکنون به دلیل رفتار دولت و گزینه‌هایی که برای این وزارتخانه مهم پیشنهاد می‌دهد، فضایی را به وجود آورده که منجر به این مساله می‌شود که وزارت علوم تحت تأثیر جریانی خاص قرار دارد و این وزارتخانه سهم این جریان محسوب می‌شود(!) در حالی که باید بپذیریم دولت، شرکت سهامی نیست و از آنجا که آقای روحانی نیز خود اعلام کرده بود وابسته به احزاب نیست لذا باید این حرف را در عمل و رفتار خویش نشان دهد و تنها به دادن شعار بسنده نکند.

مگر نه اینکه در میان نخبگان، دانشگاهیان و در مجموع در بدنه وزارت علوم افراد متعهد متخصص و بی‌حاشیه فراوانی وجود دارند پس چگونه است که دولت از کنار خیل عظیم چنین افرادی برای تصدی وزارت عبور می‌کند و سراغ افرادی می‌رود که علامت سوال‌های پرشمار و ابهامات فراوانی در مورد آنان مطرح است؟! پرواضح است گزینش افراد دارای ابهام نه به مصلحت دولت و بخش دانشگاهی است و نه به مصلحت روند رو به رشد علمی کشور.

جایگاه «وزارت علوم» به عنوان «محور اقتدار علمی کشور»، ویژه بوده و وزیر آن نیز با مدیریت بخش بزرگی از کشور با بیش از ۴ میلیون دانشجو، باید از هر لحاظ مورد اعتماد باشد، چرا که اکنون در مقابل ایران، چهره به چهره قدرت‌هایی وجود دارند که اقتدار علمی خود را به رخ می‌کشند لذا باید سکان این وزارتخانه حساس به فردی سپرده شود که علاوه بر اینکه دارای سابقه مدیریتی مطلوب و کارنامه موفق است، دارای قدرت تصمیم‌گیری مستقل نیز باشد نه اینکه وزیری پیشنهاد شود که گفته می‌شود در گذشته پای اعلامیه‌هایی را امضا کرده و تحصن برگزار کرده(!) و اکنون با اظهار بی‌اطلاعی از آن امضاها، منکر این مساله می‌شود و اعلام می‌کند دیگران به جای بنده امضا کرده‌اند و...

این اظهارات و شواهد و قرائن، جز نقطه ضعف برای کارنامه این وزیر پیشنهادی دولت چیز دیگری تلقی نمی‌شود، زیرا چنین فردی که دیگران اعلامیه‌های مهم را از سوی وی امضا می‌کنند، ممکن است در هر دوره و سمت دیگر نیز دیگران او را احاطه کرده و برای وی تصمیم‌گیری کنند. اکنون دولت فردی را پیشنهاد داده که در پاره‌ای از زمان‌ها به هر کیفیت به عنوان یکی از عوامل مهم برخی احزاب منحله به نقش‌آفرینی می‌پرداخته است لذا باید در مقابل این سوال و ابهامات موجود در مورد ایشان، هم دولت محترم و هم گزینه پیشنهادی وزارت پاسخ روشن و شفافی ارائه دهند در غیر این صورت حتی اگر از امضا کردن اعلامیه‌هایی که به مصالح نظام در آنها توجهی نشده و حتی ساختارشکنی در آنها مشهود بوده است، اظهار بی‌اطلاعی کند، مسؤولیت از وی سلب نمی‌شود، زیرا امضای وی در برهه‌ای از زمان منجر به انحراف اذهان شده است.

مگر نه اینکه «فتنه»، «خط قرمز نظام» و مجلس است؟ پس هر فردی که اذعان می‌کند سیاست‌های رهبری را پذیرفته باید حاضر باشد به صورت آشکار نیز فتنه را محکوم کند زیرا فتنه خروج بر نظام بوده و فردی که بر نظام خروج کرده نمی‌تواند در همین نظام عهده‌دار مسؤولیت شود و قابل اعتماد نیست و امکان دارد اقدامات دیگری را در آینده به صورت زیرزمینی و نامحسوس علیه اهداف نظام سامان بخشد یا به انحراف دیگران در این راستا بپردازد.

فتنه؛ داستان براندازی نظام، خروج علیه نظام، تصمیم گرفتن از سوی دشمن و... است و حادثه‌ای گذرا و ساده نبود که به‌سادگی بتوان از آن عبور کرد، قصه فتنه؛ بغی بر نظام عدل است و حکم «باغیان» نیز روشن است، لذا انتظار می‌رود سکان وزارت علوم به فردی که ابهامی درباره فتنه در او وجود ندارد واگذار شود.

البته به نظر می‌رسد برخی احزاب و افراطیون که رفتارهای آنها در گذشته نه چندان دور برای همه روشن و آشکار است در پی گرفتن سهم از دولت و وزارت علوم هستند و در این راستا در لایه‌های دولت رسوخ کرده‌اند و در صدد خارج کردن قطار دولت از ریل اعتدال هستند تا آرام آرام در بدنه دولت، افراطی‌گری را نهادینه کنند لذا باید در مقابل این جریانات ایستاد و موضع نشان داد تا افراطیون بدانند مردم از تندروی‌ها و افراطی‌گری‌ها نه تنها دل خوشی ندارند بلکه بیزار هستند.

از سویی این احتمال نیز وجود دارد که ممکن است عده‌ای در پی این باشند که در آستانه پایان مذاکرات هسته‌ای، با حاشیه‌سازی‌های بیهوده اذهان را از مسائلی که در این حادثه بسیار مهم در حال وقوع است منحرف کنند کما اینکه این تهدید نیز وجود دارد که برخی با این حاشیه‌سازی‌ها در پی القای این گزاره در اذهان مردم و جامعه باشند که به ما اجازه فعالیت نمی‌دهند و به اصطلاح، «نمی‌گذارند کار کنیم»! از این رو شایسته است دولت به نحوی رفتار کند که این افکار در اذهان ایجاد نشود.

*** نماینده مردم محلات در مجلس و عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات**

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲